

گفت‌وگو

داستان جنگی که ادامه دارد

🇵🇰 بسیاری از تحلیل‌ها بر نقش جنگنده‌ها، موشک‌ها و سامانه‌های پدافندی متمرکز بوده‌اند، اما آیا مهم‌ترین میدان نبرد در جنگ ۱۲روزه اساساً نه آسمان، بلکه عرصه اطلاعات، نفوذ، جنگ سایبری و عملیات شناختی بود؟ اگر چنین است، سهم هریک از این مؤلفه‌ها در موفقیت یا ناکامی طرفین چگونه قابل سنجش است؟

مهم‌ترین نقش‌ را در جنگ ۱۲روزه قدرت اطلاعاتی و جنگ اطلاعاتی طرفین داشته است. این جنگ نشان داد دستگاه‌های اطلاعاتی ایران نیاز به فهم جدیدی از توان و ظرفیت و تسلط اطلاعاتی دشمن دارند. بر این اساس، آنها همگی باید در ساختار و مأموریت‌های سازمانی خود به صورت ریشه‌ای بازنگری و خود را بازسازی کنند. دستگاه‌های اطلاعاتی ایران باید با تفکیک وظایف مشخص، تمرکز خود را بر مقابله با نظام جاسوسی رژیم صهیونیستی و آمریکا بگذارند. به هر حال هر دو جنگ ۱۲روزه و ۴۰روزه نشان دادند که ایران دچار غافلگیری اطلاعاتی شده است و دستگاه‌های امنیتی نواسته‌اند به‌موقع رهبری و فرماندهان عزیز را از خطر حمله به دفاتر و اماکن محل استقرارشان آگاه کنند و با تدابیر مناسب آسیب‌پذیری آنها را کاهش دهند. جنگ سایبری نیز نقش مهمی را در هر دو جنگ ایفا کرده است. حملات سایبری اسرائیل به زیرساخت‌های فناوری در بانک‌های سپه و پاسارگاد در جنگ ۱۲روزه، نشان داد که ساختار پدافند غیرعامل ایران پاسخ‌گوی نیازهای دستگاه‌های مختلف برای ختئی‌سازی جنگ سایبری دشمن نیست. بنابراین باید در تشریحات پدافند غیرعامل نیز بازنگری صورت گیرد.

🇮🇷 در ادبیات راهبردی گفته می‌شود هر جنگی آزمونی برای اعتبار بازاریاندگی طرفین است. جنگ ۱۲روزه چه تأثیری بر اعتبار بازاریاندگی ایران، اسرائیل و حتی آمریکا در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گذاشت؟ آیا این جنگ موجب تقویت بازاریاندگی شد یا برعکس، آسیب‌پذیری‌های جدیدی را آشکار کرد؟

جنگ‌های ۱۲روزه و ۴۰روزه نقاط قوت و ضعف توان بازاریاندگی ایران، اسرائیل و آمریکا را به خوبی نشان داد. این جنگ‌ها نشان داد که ظرفیت بازاریاندگی ایران بر سه مؤلفه اصلی استوار است:

۱. مخالفت آحاد مختلف مردم از دخالت بیگانگان در تعیین سرنوشت آنها و حمایت آنها از یکپارچگی و حفظ تمامیت ارضی ایران
۲. برخورداری از نیروهای مسلح متکی بر ظرفیت‌های ملی و بهره‌گیری از شیوه‌های جنگ نامتقارن

۳. ظرفیت عظیم ژئوپلیتیک ایران، به‌ویژه در خلیج فارس و تنگه هرمز که در ناتوان‌سازی قدرت عظیم نظامی دشمن نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند.

از طرفی این دو جنگ نشان داد که پایگاه‌های آمریکا در منطقه بسیار آسیب‌پذیر هستند و وابستگی امنیتی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به آمریکا و اسرائیل موجب پایین‌آمدن ضریب امنیتی خاورمیانه شده است. همچنین مشخص شد که اسرائیل بدون آمریکا مفهومی ندارد و اگر آمریکا بخواهد آرامش و صلح در منطقه برقرار شود، نباید آن را از دریچه امنیت اسرائیل ببیند؛ زیرا موجب توسعه نامثنی در جهان می‌شود.

🇮🇷 اگر هدف اصلی از آغاز جنگ، تغییر رفتار راهبردی جمهوری اسلامی ایران در حوزه هسته‌ای، منطقه‌ای یا موشکی بود، آیا شواهد یک سال پس از جنگ نشان می‌دهد که این هدف محقق شده است؟ یا آنکه نتایج به سمت عکس اهداف اولیه حرکت کرده‌اند؟

افکار عمومی منطقه و ایران بر این باور است که آمریکا و اسرائیل در تحقق اهدافشان در این دو جنگ ناکام مانده‌اند. از سوی دیگر آنها با بمباران مدرسه میناب و ورزشگاه لامرد، چهره چنانکبار خود را تا ابد در آذهان مردم ایران و افکار عمومی جهان ثبت کردند. در عین حال چهره پرافتخاری از مردم ایران در آذهان انسان‌های صلح‌طلب به نمایش گذاشته شد. از سوی دیگر این دو جنگ نشان داد که ایران بایستی توان موشکی، پهپادی و قدرت اقتصادی خود را افزایش دهد و پیوند منطقه‌ای خود را با کشورهای مختلف گسترش دهد تا توان بازاریاندگی آن افزایش یابد. از طرفی آمریکا و اسرائیل هم متوجه شدند که بهره‌گیری از جنگ، پرخسارت‌ترین اقدام برای نیل به اهداف شیطان بزرگ و غده سراطنی منطقه است.

🇮🇷 یکی از مباحث کمتر بررسی‌شده، مسئله «تاب‌آوری ساختار حکمرانی در شرایط شوک نظامی» است. جنگ ۱۲روزه چه تصویری از میزان آمادگی نهادهای سیاسی، نظامی، امنیتی و اجرایی کشور برای مدیریت بحران‌های ناگهانی و جنگ‌های پرتشاب قرن بیست‌ویکمی ارائه کرد؟

در جریان جنگ ۱۲روزه، ظرفیت بالای دولت در کمک به تاب‌آوری مردم مشخص شد. علی‌رغم آنکه حدود ۱۰ میلیون نفر از مردم ایران فقط به استان‌های شمالی سفر کردند، ولی هیچ‌گونه مشکلی در تأمین آذوقه و مایحتاج و سوخت آنها به وجود نیامد؛ نه‌تنها برای بنزین هیچ‌گونه صفی تشکیل نشد، بلکه قیمت سوخت هم بدون تغییر باقی ماند و ساختار دولت، توانایی خود را برای تدارک مردم در شرایط بحرانی جنگ نشان داد. از سوی دیگر همدلی و همراهی مردم با یکدیگر بیشتر شد و اعتماد به دولت افزایش یافت و ضریب همبستگی ملی بالا رفت و بر سرمایه اجتماعی حاکمیت افزوده شد.

🇮🇷 با توجه به اینکه در جنگ ۱۲روزه و سپس جنگ ۴۰روزه شاهد نقش‌آفرینی هم‌زمان قدرت سخت، قدرت اطلاعاتی، جنگ سایبری، عملیات روانی و نبرد رسانه‌ای بودیم، آیا اساساً جنگ‌های آینده علیه ایران را باید در قالب «جنگ ترکیبی چندلایه» تعریف کرد؟ اگر پاسخ مثبت است، کدام بخش از ساختار دفاعی و امنیتی کشور بیش از دیگر بخش‌ها نیازمند بازنگری و نوسازی است؟

همه ساختارها و حتی مأموریت‌های بخش‌های دفاعی، نظامی، اطلاعاتی، امنیتی و حتی صنعتی کشور متناسب با تغییر ماهیت، کیفیت و کمیت تهدیدات، نیازمند تغییر، بازنگری، بازسازی و به‌روزرسانی هستند. باید تکیه حاکمیت بر ظرفیت و قدرت ملی و استعدادهای آحاد متخلف مردم افزایش یابد و شیوه‌های نادرستی که باعث واگرایی در جامعه می‌شدند، کنار گذاشته شوند تا مردم همچون دوران بیروزی انقلاب اسلامی و در دوره زمامداری امام خمینی، خود را صاحب کشور و مملکت بدانند و به سرنوشت ایران حساس باشند و همه اقتضای سربلندی و عزت ایران تلاش کنند.

🇮🇷 برای پرسشی آخر، اخیراً در مصاحبه‌ای عنوان کرده‌اید که پیش از جنگ ۴۰روزه به علی شمخانی هشدار داده بودید کشور در آستانه یک درگیری نظامی قرار دارد و حتی احتمال ترور مقامات ارشد و رهبر انقلاب را نیز مطرح کرده بودید که با واکنش خود شمخانی، آن هم در مقام دبیر شورای دفاع مواجه شد. این اظهارات از یک سو نشان می‌دهد که بخشی از تهدیدات از پیش قابل تشخیص بوده‌اند و از سوی دیگر این پرسش را ایجاد می‌کند که عامل فاصله میان «داشتن تهدید» و «آماه‌شدن برای تهدید» دقیقاً در کجای ساختار سیاسی، امنیتی و نظامی کشور شکل گرفته است؟ آیا جنگ‌های ۱۲روزه و ۴۰روزه را باید محصول شکست اطلاعاتی دانست یا شکست در تصمیم‌گیری و اقدام به‌موقع؟

شهید دریاسالار علی شمخانی و بسیاری از فرماندهان شهید، وقوع جنگ را با توجه به روایات ترامپ و کینه‌های نتانیاهو و برنامه‌های آمریکا و اسرائیل قطعی می‌دانستند و توان خود را نیز برای مقابله کشور با تهدیدات متصور آماده کرده و به کار گرفته بودند، اما به نظر می‌رسد که سیستم دریافت اطلاعات به‌موقع دچار اشکال اساسی است. از آنجا که عمده تصمیم‌گیری‌ها متکی بر کسب اطلاعات به‌موقع و دریافت اطلاعات صحیح است، بنابراین اخلاط در این حوزه موجب یر تصمیم‌گرفتن یا به‌موقع تصمیم‌نگرفتن می‌شود.



زنان افغانستانی از انزوای خود به دلیل قوانین سخت‌گیرانه به «شرق» گزارش می‌دهند

وحشت در خیابان‌های هرات

مهسا مژدهی: زنان از ترس و وحشت خانه‌نشین شده‌اند؛ این حرف را رزی ۲۲ساله و معلم در هرات می‌زند که حالا برای رفتن به مکتب یا سست می‌کند و می‌گوید هر بار هنگام خروج از خانه می‌ترسد که نتواند دوباره به آنجا برگردد.

موج جدید قوانین سخت‌گیرانه طالبان، پیاده‌روهای هرات و کابل را به شکلی بی‌سابقه از حضور زنان خالی کرده و به تعبیر شهروندان، سایه‌ای از وحشت را بر فضای شهری گسترانده است. بازداشت‌های خشونت‌آمیز خیابانی به بهانه عدم پوشش کامل صورت (برقع) و سیستم تنبیه جمعی که به اخراج مردان خانواده از مشاغلشان منجر می‌شود، زنان را میان دوراهی بقا یا حضور اجتماعی قرار داده است. این استراتژی حذف سیستماتیک، نه‌تنها پیاده‌روها و فضاهای عمومی را مردانه کرده، بلکه با ناامن‌سازی مکان‌های حیاتی مانند مراکز درمانی و ایستگاه‌های تاکسی، زنان افغانستانی را به سمتی سوق داده که از ترس بازداشت، تحقیر و جرمیه‌های سنگین، خانه‌نشین و انزوای اجباری در کنج خانه‌ها را انتخاب کنند.

جزئیاتی از ممنوعیت تازه علیه زنان افغانستان

روز جمعه ۱۵ خرداد اطلاعیه‌ای در برخی از رسانه‌های افغانستانی منتشر در خارج از این کشور منتشر شد که براساس آن نهاد امر به معروف در هرات اعلام کرده بود از این پس زنانی که حجاب را رعایت نمی‌کنند، بازداشت شده و به زندان منتقل می‌شوند و هیچ‌کس حق گلایه و شکایت ندارد. هم‌زمان یک فایل صوتی هم دست به دست شد که در آن آمده زنانی که روی آنها پیداست (برقع ندارند) توسط یازسان سیار طالبان که در سطح شهر و بازارها حضور دارند، جمع‌آوری خواهند شد و به زندان خواهند رفت. ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی نشان از آن دارند که مأموران رزوز ۱۶ خرداد دستور را اجرائی کرده و به بازداشت بعضاً خشونت‌آمیز زنان در خیابان‌های هرات دست زده‌اند.

طالبان پیش از این هم محدودیت‌های گسترده در گشت‌وگذار زنان در هرات را وضع کرده و ازجمله به رانندگان تاکسی‌های شهری دستور داده‌اند از سوارکردن زنان بدون محرم و زنانی که برقع نپوشیده‌اند، خودداری کنند.

قوانین جدید حجاب، پیش از آنکه پوشش را تغییر داده باشد، پیاده‌روها را خالی کرده است. زنی ساکن هرات در توصیف این وضعیت تنها از یک کلمه استفاده می‌کند: «وحشت». وحشتی که باعث شده زنان برای بقا، خود را در خانه‌ها پنهان کنند.

در ابلاغیه طالبان به زنی که عطر بزند هم اتهاماتی وارد و هشدار داده شده که اگر زنان کارمند خود را به‌طور کامل (به همراه صورتشان) نپوشند، از کار تعلیق خواهند شد. این حکم شامل خانواده آنها هم می‌شود و مردان خانواده که مشاغل دولتی دارند از کار اخراج می‌شوند. این دستورات طی روزهای اخیر در مکان‌های عمومی به مردان ابلاغ شده است. حکم کنونی هرچند جدید نیست اما سخت‌گیری‌ها به‌تازگی افزایش پیدا کرده است. هبت‌الله اخوندزاده رهبر طالبان، در سال ۱۴۰۱ دستور داده بود زنان باید صورت خود را بپوشانند، در غیر این صورت اولیای آنان زندانی و به دادگاه کشانده می‌شوند. براساس این دستور، «چادری» (شامل پوشششی که صورت و بدن آنها را به‌طور کامل می‌پوشاند) بهترین حجاب و نماد فرهنگ افغانستان دانسته شده که از گذشته‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است. تمام زنان افغانستانی در سال‌های دهه ۹۰ میلادی به دستور طالبان چنین پوشششی داشتند، اما در سال‌های جمهوری ترخوع پوشش در این کشور بیشتر شده بود؛ هرچند هنوز تعداد زنانی که پوشش آبی‌رنگ بر تن داشته و صورت خود را می‌پوشانند به‌هیچ‌وجه کم نبود.

روایت زتانه از خیابان‌های هرات و کابل

صبح زن ۲۲ساله افغانستانی که معلم دانش آموزان دختر کلاس سوم تا ششم دبستان است، در مصاحبه با «شرق»، از ترس و وحشت حاکم بر هرات حرف زده و می‌گوید: از روز شنبه ۱۶ خرداد، تعداد زیادی از زن‌ها، حتی آنهایی که «چادری» در سر داشتند و چهره‌هایشان پنهان بود، در این شهر بازداشت شده‌اند. به گفته او تعداد بازداشتی‌ها در روزهای اخیر بیش از ۲۰۰ نفر تخمین زده می‌شود (این آمار از سوی منابع تأیید نشده است). سمیه تاکید می‌کند که زنان پیش از اینکه طالبان دستورات جدید را ابلاغ کنند، حجاب کامل داشته‌اند. به گفته این زن جوان، تعدادی از زنان تنها به دلیل اینکه لباس بلندی در زیر «چادری» خود نپوشیده بودند، با خشونت بازداشت شدند.

او در مورد سرنوشت زنانی که اغلب با خشونت دستگیر شده‌اند، می‌گوید: اگر آنها موقع بازداشت آرام باشند، به حوزه (کلانتری) منتقل می‌شوند و آنجا از برادران و پدرشان می‌خواهند تا تعهدنامه‌ای را امضا کنند که براساس آن زن‌ها دیگر هرگز با چنین حجابی از خانه بیرون نیایند. اوضاع برای زنانی که زمان دستگیری مقاومتی از خود نشان داده‌اند بدتر است و آنها به زندان منتقل می‌شوند. به گفته سمیه، برخورد با زنان و خانواده‌های آنها در حوزه‌ها به‌شدت تحقیرآمیز و سرشار از توهین بوده است.

این معلم هراتی در توصیف فضای حاکم بر شهر این‌گونه توضیح می‌دهد: فضای شهر از دست زنان خارج شده است. من امروز ساعتی را در خیابان برای رسیدن به محل کارم حضور داشتم و حتی سه زن هم بیرون از خانه ندیدم. به گفته او زن‌ها از ترس بازداشت خیابان‌ها را ترک کرده و خانه‌نشین شده‌اند و ناامیدی و بی‌انگیزگی دامن‌گیرشان شده است.

این نخستین بار نیست که محدودیت علیه زنان افغانستان به چنین درجه‌ای می‌رسد. به گفته سمیه، پیش از این هم راننده‌های تاکسی از سوارکردن زنانی که مانند به تن داشتند، خودداری می‌کرده‌اند. همچنین نشستن زنان بدون محرم در تاکسی‌ها و به‌خصوص صندلی جلو، دردسرهایی را برای آنها فراهم می‌کرده است. او می‌گوید مدت‌هاست که زن‌ها از رفتن به پارک منع می‌شوند یا ناچارند در روزهای خاصی که هیچ مردی در پارک‌ها حضور ندارد، برای تفریح مراجعه کنند.

به گفته سمیه اعتراضات اخیر در شهر هرات، بیش از آنکه در مورد برخوردهای خشن با زنان به دلیل نپوشاندن صورت‌هایشان باشد، معیشتی بوده است. او تأکید می‌کند با وجود اینکه برخی تجمعات برای روزهای پیش‌رو برنامه‌ریزی شده، اما بعید می‌داند که گروه بزرگی به آن بیونند؛ چراکه زنان از برخوردهای طالبان وحشت دارند و مردان هم قایل نیستند به خاطر چنین مسئله‌ای اعتراض کنند.

اما ماجرا فقط به هرات ختم نمی‌شود. وقایع اخیر در این شهر غربی افغانستان، پایتخت این کشور، کابل را هم وحشت‌زده کرده است. طیبه، زن ۲۷ساله‌ای که نویسنده است، به «شرق» می‌گوید خیابان‌های کابل از زنان خالی شده است و همه وحشت‌زده‌اند. به گفته طیبه، تصمیمات درباره مسائل زنان هرچند ابتدا در یک شهر مطرح می‌شود، اما در ادامه شهرهای دیگر را هم در بر می‌گیرد و طبق اطلاعاتی که زنان برای یکدیگر در شبکه‌های اجتماعی ارسال می‌کنند، بازداشت آنها به دلیل نپوشاندن صورت‌هایشان از روز شنبه آینده در کابل هم کلیه خواهد خورد. به گفته او از همین حالا زن‌ها به یکدیگر توصیه می‌کنند پایشان را در خیابان نگذارند. طیبه می‌گوید طالبان برای برخورد با زنان در کابل اغلب به مراکزی که ازحدم زیاد است، هجوم می‌برند و به همین دلیل بیمارستان‌ها و



فریاد در سکوت

از روز جمعه ۱۵ خرداد، موجی از اعتراض علیه برخورد با زنان در هرات، شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه ایکس را در بر گرفته است. براساس آماری که آکادمی دیتوم در اختیار «شرق» قرار داده است، از پانزدهم تا نوزدهم خرداد ۱۴۰۵، هزارو ۶۲۲ پست درباره وقایع شهر هرات در شبکه اجتماعی ایکس منتشر یا بازنشر شده که از سوی ۷۵۰هزارو ۶۶۰ نفر مورد بازپدی قرار گرفته است و ۴۳۰ کاربر ایکس در بحث‌ها مشارکت داشته‌اند.

یکی از پربرادرتدین‌بست‌ها در ایکس یا همان توئیتر سابق مربوط به کاربری است که حال و هوای این روزهای زنان هراتی را روایت می‌کند و نوشته: پدرم می‌گوید اگر بردن، به خانه هم برگرد و برادرم تأیید می‌کند و مادرم سکوت.

پست دیگری که زنان افغانستانی را آزرده کرده، به سخنان سعد محسنی، مالک تلویزیون طلوع برمی‌گردد. سعد محسنی، مالک تلویزیون طلوع، در سخنان تازه‌ای می‌گوید وضعیت زنان در شهرهای بزرگ افغانستان تفاوت زیادی با دوره جمهوریت ندارد و زنان می‌توانند بدون پوشاندن صورتشان به شهر بروند و رانندگی کنند. سعد محسنی می‌افزاید که اکثریت رهبران طالبان خودشان دختران خود را به مکتب می‌فرستند. اما او نمی‌گوید چون مکاتب در افغانستان بسته‌اند، رهبران طالبان دخترانشان را به کدام مکاتب می‌فرستند؟

فریاد در سکوت

از روز جمعه ۱۵ خرداد، موجی از اعتراض علیه برخورد با زنان در هرات، شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه ایکس را در بر گرفته است. براساس آماری که آکادمی دیتوم در اختیار «شرق» قرار داده است، از پانزدهم تا نوزدهم خرداد ۱۴۰۵، هزارو ۶۲۲ پست درباره وقایع شهر هرات در شبکه اجتماعی ایکس منتشر یا بازنشر شده که از سوی ۷۵۰هزارو ۶۶۰ نفر مورد بازپدی قرار گرفته است و ۴۳۰ کاربر ایکس در بحث‌ها مشارکت داشته‌اند.

یکی از پربرادرتدین‌بست‌ها در ایکس یا همان توئیتر سابق مربوط به کاربری است که حال و هوای این روزهای زنان هراتی را روایت می‌کند و نوشته: پدرم می‌گوید اگر بردن، به خانه هم برگرد و برادرم تأیید می‌کند و مادرم سکوت.

پست دیگری که زنان افغانستانی را آزرده کرده، به سخنان سعد محسنی، مالک تلویزیون طلوع برمی‌گردد. سعد محسنی، مالک تلویزیون طلوع، در سخنان تازه‌ای می‌گوید وضعیت زنان در شهرهای بزرگ افغانستان تفاوت زیادی با دوره جمهوریت ندارد و زنان می‌توانند بدون پوشاندن صورتشان به شهر بروند و رانندگی کنند. سعد محسنی می‌افزاید که اکثریت رهبران طالبان خودشان دختران خود را به مکتب می‌فرستند. اما او نمی‌گوید چون مکاتب در افغانستان بسته‌اند، رهبران طالبان دخترانشان را به کدام مکاتب می‌فرستند؟

کاربر شناخته‌شده دیگری با تکیه بر حرف‌هایی که سعد محسنی در کنار گروهی از زنان خبرنگار آمریکایی مطرح کرده، نوشته است: آقای سعد محسنی، این درست است که طالبان به شما و رسانه‌تان فضا داده‌اند و برای معاملات تجاری‌تان نیز راه گشوده‌اند، اما این به آن معنا نیست تا شما در برابر این امتیازها از کیسه خلیفه رشوه بریزید و وضعیت درندگان زنان در افغانستان را به جامعه و افکار عمومی عادی جلوه دهید. در شرایطی که امروز زنان هرات و همه زنان افغانستان در دشوارترین و محدودترین وضعیت زندگی خود قرار دارند و از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و اجتماعی محروم شده‌اند، اظهارات شما مبنی بر عادی‌بودن وضعیت زنان در افغانستان، با واقعیت‌های موجود و با اصول بنیادین ژورناليسم رسالت‌مند در تضاد آشکار قرار دارد. خبرنگار و رسانه نمی‌توانند رنج و واقعیت زندگی میلیون‌ها انسان را نادیده بگیرند یا آن را وارونه بازنمایی کنند... پوئل‌چیزی خوب است اما کرامت انرشی است که با پوئل اندازه نمی‌شود.

پست دیگر، ادعای درخواست پول از خانواده‌های زنان بازداشت‌شده را مطرح کرده است. طبق این ادعا که از قول زنی پزشک در هرات نقل شده، طالبان برای آزادی زنانی که بازداشت کرده‌اند، ۱۳ هزار افغانی درخواست داشته‌اند و یک وکیل (ریش‌سفید محلی) باید ضمانت آنها را بر عهده بگیرد. این ادعایی است که طیبه، یکی از زنانی که با «شرق» مصاحبه داشته نیز آن را مطرح کرده است.

براساس اطلاعاتی که دیتوم در اختیار ما قرار داده، اظهارات فویزه کوفی، نماینده سابق پارلمان و فعال کنونی حقوق بشر که گفته طالبان طی دو روز شنبه و یکشنبه بیش از ۶۰ زن را در هرات بازداشت کرده‌اند، از دیگر نوشته‌هایی به حساب می‌آید که مورد توجه قرار گرفته است.

واکنش‌ها چه بود؟

در واکنش به این رویدادها، هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) نسبت به بازداشت و توقیف زنان در هرات به دلیل آنچه «عدم رعایت الزامات پوشش» خوانده شده، ابراز نگرانی کرد. یوناما در بیانیه‌ای که روز یکشنبه ۱۷ خرداد منتشر شد، اعلام کرد که این بازداشت‌ها نگرانی‌های جدی حقوق‌بشری ایجاد می‌کند.

علاوه بر این، نصیر احمد فایق، نماینده سرپرست افغانستان در سازمان ملل متحد، این بازداشت‌ها را محکوم کرد. فایق گفت که این اقدامات را که به گفته او غیرانسانی و غیرقانونی است، به‌شدت محکوم می‌کند. او پرسید چگونه مأموران امر به معروف طالبان خود را حامی و سرپرست مشروع زنان می‌دانند. در حالی که آنان را با زور از خیابان‌ها و بازارها بازداشت و منتقل می‌کنند. فایق همچنین افزود که گزارش‌های معتبر مستندی درباره خشونت، بدرفتاری، آزار جنسی در زندان‌ها و ازدواج‌های اجباری مرتبط با اعضای طالبان وجود دارد؛ مواردی که به گفته او هرگز به شکلی شفاف مورد تحقیق قرار نگرفته یا به‌طور مناسب به آنها رسیدگی نشده است.

پس از آنکه خبرهایی در مورد برخورد با معترضان در شهرک جبرئیل در غرب هرات منتشر شد، ریچاد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد برای افغانستان، از استفاده بیش از حد زور توسط طالبان علیه معترضان در هرات ابراز نگرانی کرده است. بنت گفته است: با نگرانی از استفاده بیش از حد از زور علیه اعتراضات مسالمت‌آمیز در هرات، وقت آن رسیده است که تنش‌ها را کاهش دهیم، به آزادی بیان شهروندان به‌ویژه زنان و دختران احترام بگذاریم و از آسیب بیشتر جلوگیری کنیم. مسئولان خشونت باید پاسخ‌گو باشند.

اشاره بنت به وجود این مشتملات وزارت امر به معروف در هرات نه‌تنها بازداشت زن‌ها را تکذیب کرده، بلکه تاکنون واکنشی در مورد برخورد خشونت‌آمیز مأموران با معترضان از خود نشان نداده است.

گزارش

پایان سفر «شی» به کره شمالی

رئیس جمهوری چین روز گذشته پس از سفری کم‌سابقه به کره شمالی، به پکن بازگشت. او در این سفر با کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، دیدار کرد و در چند برنامه عمومی مشترک شرکت داشت.

به گزارش خبرگزاری رسمی کره شمالی، کیم جونگ اون، شی جین‌پینگ را «بزرگ‌ترین میهمان دولتی» کشورش توصیف کرد و گفت که انتخاب کره شمالی به‌عنوان نخستین مقصد سفر خارجی شی در سال جاری میلادی را «امیدبخش‌ترین حمایت» از پیونگیانگ می‌داند.

شی که برای نخستین بار طی هفت سال گذشته به پیونگیانگ سفر کرده بود، در دیدار با کیم، بر آمادگی چین برای توسعه همکاری‌ها در زمینه‌هایی همچون تجارت، کشاورزی، ساخت‌وساز و فناوری تأکید کرد. این دو رهبر روز گذشته از برج دوستی چین و کره شمالی که به یاد سرنباران چینی کشته‌شده در جنگ کره بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ میلادی ساخته شده است، بازدید کردند. رسانه‌های دولتی چین گزارش دادند که این دو رهبر بر اهمیت حفظ دوستی سنتی میان دو کشور و تداوم روح مقاومت در برابر ایالات متحده تأکید کردند.

کارشناسان معتقدند از آنجایی که پیونگیانگ در سال‌های اخیر بیش از گذشته به روسیه نزدیک شده، اکنون شی احتمالاً در پی آن است که نفوذ انحصاری کشورش بر کره شمالی را احیا کند. تحلیلگران می‌گویند کیم جونگ اون نیز در مقابل، انتظار دارد از این روابط منافع اقتصادی و سیاسی به دست آورد.

شی جین‌پینگ وعده داد روابط سنتی و پیچیده چین و کره شمالی را به «مرحله‌ای تازه» ارتقا دهد.

رسانه‌های دولتی چین و کره شمالی در گزارش‌های خود دیدار این دو رهبر، بر توسعه همکاری‌های دوجانبه و حمایت دوسه‌راه کیم جونگ اون از سیاست «چین واحد» در قبال تایوان تأکید کردند، اما هیچ اشاره‌ای به برنامه هسته‌ای کره شمالی که از مهم‌ترین مسائل امنیتی منطقه به شمار می‌رود، نکردند.

حال آنکه شی جین‌پینگ در سفر سال ۲۰۱۹ میلادی خود به پیونگیانگ از آمادگی چین برای کمک به خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی سخن گفته بود. این موضوع می‌تواند یک پیروزی دیپلماتیک برای کیم تلقی شود؛ کمالاتیک رهبر کره شمالی به دنبال کسب به رسمیت شناخته‌شدن کشورش به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای است و به گفته کارشناسان می‌تواند از آن موقعیت برای درخواست لغو تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی استفاده کند. بازسازی نفوذ سنتی چین بر کره شمالی می‌تواند دست شی جین‌پینگ را در تعامل با دونالد ترامپ که بارها خواستار ازسرگیری مذاکرات با کیم جونگ اون شده است، تقویت کند.

گواهی می شود فاکتور بلوک سیلندر به شماره پلاک ۳۷ ایران ۷۵۸ ج ۷۹ و به شماره موتور ۰۰۵۸۸۳۵۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی تغییرات صندوق سرمایه گذاری بخشی صنایع ثروت آفرین به شناسه ملی ۱۴۰۱۴۴۱۴۵۷۴ و به شماره ثبت ۵۹۲۵۲ به استناد صورتحلسه مدیر صندوق مورخ ۰۴.۲۴.۱۴۰۴ و مجوز شماره ۱۲۲/۱۸۷۵۲۹ مورخ ۱۴۰۴.۹.۱۲ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد کلیه اسناد و اوراق تعهد آور صندوق از جمله قرارداده‌ها ، چک ، سفته ، برات با امضاء دو نفر از چهار نفر آقایان عبدالمجید دهقان به شماره ملی ۰۰۴۹۲۶۲۳۸۱۳ ، اکبر حامدی میخوش به شماره ملی ۰۱۶۷۱۸۹۲۹۳۳ ،سید محمود یاسینی اردکانی به شماره ملی ۰۴۴۴۹۹۱۷۷۵۸ و مرتضی برجلو به شماره ملی ۰۰۷۴۲۳۹۶۷ به همراه مهر صندوق و سایر مکاتبات اداری و عادی با امضای یکی از اشخاص فوق و مهر صندوق معتبر می باشد .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران(۱۳۹۷-۲۲)